

صلاحیت و نحوه رسیدگی کمیسیون موضوع ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع

کیومرث کمری^۱، داود قاسمی^{۲*}

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی صلاحیت و آیین دادرسی کمیسیون تخصصی موضوع ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع^۱ پرداخته است. آنچه سبب شده بررسی کمیسیون موضوع ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع از اهمیت بالایی برخوردار باشد، این است که موضوعات مورد اختلاف در کمیسیون از یک سو به جنگل‌ها و مراتع به عنوان ثروت ملی اختصاص دارد و از سوی مربوط حقوق و مالکیت خصوصی است که ناضر بر حقوق شهروندی افراد است. سوال اساسی که در این خصوص مطرح و مورد بررسی قرار گرفته، این است که کمیسیون تخصصی موضوع ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع داری چه صلاحیتی بوده و آیین دادرسی در این کمیسیون چگونه قابل ارزیابی است و تا چه اندازه با دادرسی عادلانه مطابقت دارد؟ مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، به بررسی سوال مورد اشاره پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که کمیسیون ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع کشور صلاحیت رسیدگی به اعتراض زارعین صاحب اراضی نسقی و مالکین و صاحبان باغات و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی شهرها و حریم روستاها را دارد. در خصوص آیین دادرسی کمیسیون نیز نتایج تحقیق بیانگر این امر است که در برخی موارد همچون مستند و مستدل بودن آراء، اصل دادرسی عادلانه رعایت شده، اما در برخی موارد نظیر علنی بودن دادرسی و بی طرفی، آن گونه که باید با دادرسی عادلانه مطابقت ندارد. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با توجه به زمان طولانی که از تصویب کمیسیون موضوع ماده ۵۶ می‌گذارد، در خصوص تطبیق هرچه بیشتر آیین دادرسی کمیسیون با اصول دادرسی عادلانه اقدام نماید.

واژگان کلیدی: کمیسیون ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع کشور، صلاحیت، دادرسی، دادرسی عادلانه.

* دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، گروه علمی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

** استادیار، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه علمی حقوق، دانشگاه غیردولتی - غیرانتفاعی شمال، آمل، ایران.

(نویسنده مسئول) d.ghasemi@shomal.ac.ir

^۱. منظور قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ است که به اختصار در این مقاله از آن به عنوان قانون جنگل‌ها و مراتع یاد می‌شود.

مقدمه

در ۲۷ دی ماه سال ۱۳۴۱، جنگل‌ها و مراتع ملی اعلام شدند و قانون آن به تصویب رسید و در پی آن، در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ و قوانین مشابه آن، سازمان جنگل‌بانی مسئول اجرای قانون ملی کردن اراضی موصوف و تملک آن به نفع دولت شد. انجام عملیات شناسایی و تشخیص اراضی ملی واجد آثار حقوقی بسیار مهمی است: در نتیجه، این عملیات مالکیت خصوصی اراضی ملی شده زایل و مالکیت عمومی ایجاد می‌گردد؛ اسناد و تصرفات سابق باطل و بالاتر شده و ادارات ثبت اسناد و املاک ملزم به اصلاح اسناد قبلی و صدور سند مالکیت منابع ملی شده به نام دولت می‌شوند؛ دولت در نتیجه استقرار مالکیت بر اراضی ملی، تمامی حقوق ناشی از مالکیت بر اموال عمومی را در محدوده مقررات دارا خواهد شد؛ هرگونه تصرف، تخریب، خرید و فروش این اراضی موجب مسئولیت کیفری و مدنی مرتکبین خواهد شد (رئیس و شهریار، ۱۳۹۷: ۸).

و استفاده از این منابع نیز صرفاً به اذن دولت و آن‌هم در چارچوب مقررات موضوعه امکان‌پذیر خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۲). اما این امر در عمل در بسیاری از موارد با اختلاف میان مالکان املاک خصوصی و دولت در خصوص اراضی ملی شده همراه است. در پی بروز برخی اختلافات، کمیسیون ماده ۵۶ مسئول رسیدگی به این اختلافات شد و آرای آن نیز قطعی بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون دیوان عدالت اداری، اشخاص برای اعتراض و احقاق حقوق خود به دیوان مذکور مراجعه می‌کردند تا آن که در سال ۱۳۶۷، قانون ماده واحده تعیین تکلیف اراضی اختلافی ملی به تصویب رسید و رسیدگی به شکایات در آن پیش‌بینی شد. البته، این اعتراض‌ها پس از رسیدگی و صدور رأی قابل اعتراض و تجدیدنظر در دادگاه‌های بدوی و بالاتر بودند؛ اما با این وجود، همواره شعب محاکم دچار تعارض و تفاوت در صدور آرا می‌شدند. از این رو، در سال ۱۳۸۷، با اصلاح ماده واحده مذکور، تجدیدنظر در محاکم از آرای صادر شده از کمیسیون امری بدیهی عنوان شد. صلاحیت و نحوه دادرسی مدنی کمیسیون ماده ۵۶ از جمله موضوعاتی است که تاکنون چندان مورد توجه قرار نگرفته است. این در حالی است که وظایف تعریف شده برای این مرجع تخصصی به دلیل ارتباط با مالکیت خصوصی از یک سو و اموال و منفعت عمومی از سوی دیگر، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ به ویژه این که نحوه و آیین دادرسی در این کمیسیون و میزان انطباق آن با دادرسی منصفانه نقش مهمی در تصمیمات کمیسیون دارد.

تعارض منافع خصوصی و عمومی در بهره‌برداری جنگل‌ها و مراتع کشور از سویی و تکلیف رو به تزاید دولت‌ها در حفاظت از این منابع ملی از سوی دیگر، اهمیت و ضرورت توجه به مرجع

حل اختلاف در این خصوص را تبیین می‌نماید. سوال اساسی که در این مقاله بررسی و تبیین می‌شود، این است که صلاحیت کمیسیون موضوع ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها در چه زمینه‌ای بوده و آیین دادرسی در این کمیسیون چگونه قابل ارزیابی است. در راستای بررسی و پاسخ به سوال مورد اشاره، ابتدا به ساختار و صلاحیت کمیسیون موضوع ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها پرداخته شده و در ادامه، آیین رسیدگی در این کمیسیون تبیین و تحلیل می‌شود.

۱. صلاحیت کمیسیون موضوع ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع

در این مبحث تلاش شده کارکرد و صلاحیت کمیسیون موضوع ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع بررسی شود.

۱-۱. صلاحیت کمیسیون

کمیسیون ماده ۵۶ بر اساس قانون ماده واحده تعیین تکلیف اراضی اختلافی ملی، تشکیل یافته و موجودیت خود را بدست آورده است. ماده واحده مورد اشاره، دارای شش تبصره بوده و آئین‌نامه اجرایی آن در ۲۲ شهریور ماه سال ۱۳۶۷ در راستای اجرای تبصره شش آن ماده واحده به تصویب رسیده که خود این آئین‌نامه دارای ۲۳ ماده و ۱۴ تبصره است.

مسئول اداره کشاورزی، مسئول اداره جنگلداری، عضو جهاد سازندگی، عضو هیات واگذاری زمین، یک نفر قاضی دادگستری و بر حسب مورد دو نفر از اعضای شورای اسلامی شهر یا روستا مربوطه اعضاء کمیسیون موضوع ماده ۵۶ را تشکیل می‌دهند. کمیسیون مذکور در شهرستان زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی و با حضور حداقل ۵ نفر از ۷ نفر اعضا به رسمیت می‌رسد.

۱-۱-۱. صلاحیت موضوعی

در خصوص صلاحیت کمیسیون ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی، موضوع اجرای آرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور، می‌توان بیان داشت، این است که: بر اساس آنچه به وضوح در خود ماده واحده مورد پیش‌بینی قرار گرفته است، صلاحیت این هیات در موارد ذیل خلاصه می‌گردد: (جعفری، ۱۳۹۵: ۹۲)

(۱) از مهمترین صلاحیت‌های کمیسیون ماده واحده، رسیدگی به اعتراض زارعین صاحب اراضی نسقی و مالکین و صاحبان باغات و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی شهرها و حریم روستاها، نسبت به اجرای مفاد آرای صادره از سوی کمیسیون ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع کشور، می‌باشد.

(۲) صلاحیت دیگر این کمیسیون ماده واحده عبارت است از رسیدگی به اعتراضات سازمانها و موسسات دولتی که در خصوص اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری جنگل‌ها و مراتع

کشور، مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن اعتراض داشته باشند.

۳) رسیدگی به کلیه پرونده‌های موجود در دیوان عدالت اداری در مورد ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع کشور و اصلاحیه‌های بعدی آن که مختمه نشده‌اند، از دیگر صلاحیت‌های مربوط به کمیسیون ماده واحده است که در راستای تحقق این صلاحیت، دیوان عدالت می‌بایست آن پرونده‌ها را جهت رسیدگی به کمیسیون ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی موضوع ماده ۵۶، ارجاع نماید.

۴) انجام اقدامات و صدور دستورات لازم در زمینه خلع ید متصرفین با توجه به شرایط ذیل را می‌توان به عنوان صلاحیت دیگر کمیسیون ماده واحده دانست: در صورتی که موسسات و سازمانهای دولتی نسبت به اجرای ماده ۵۶ معترض بوده و آن اعتراض از سوی هیات ماده واحده بجا تشخیص داده شود، با توجه به موقعیت و شرایط زمین نسبت به خلع ید متصرفین، اقدام لازم صورت می‌پذیرد.

البته انجام این اقدامات و اجرای این نوع از صلاحیت کمیسیون ماده واحده، یا هماهنگی‌های لازم و بعمل آمده که از سوی ارگانهای ذیربط صورت می‌گیرد و در تبصره ۴ از ماده واحده، این امر مورد پیش‌بینی قرار گرفته و دولت را موظف به انجام این دسته اقدامات در راستای تحقق این صلاحیت، نموده است.

۵) آنچه می‌توان به عنوان آخرین مورد از صلاحیت‌های حاکم بر کمیسیون ماده واحده بیان داشت، این است که این کمیسیون تنها مرجع رسیدگی به شکایات و تظلمات مربوط به اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع می‌باشد و در این راستا، قانونگذار به نوعی صلاحیت انحصاری برای این کمیسیون مقرر نموده‌اند. حتی تصویب مقرراتی از سوی دیوان عدالت اداری که در سال ۱۳۸۵ مورد تصویب قرار گرفت و در موارد صلاحیت خود، رسیدگی به اعتراضات ناشی از صدور آرای کمیسیون ماده ۵۶ را مد نظر خود قرار داده است، نافی صلاحیت ذاتی و انحصاری کمیسیون ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی موضوع اجرای ماده ۵۶ نمی‌باشد.

۱-۲. صلاحیت اشخاص مورد رسیدگی

همانطور که ذکر گردید، کمیسیون قانون ماده واحده تعیین تکلیف اراضی اختلافی ملی به منظور رسیدگی به اعتراضات احتمالی افراد ذینفع که از اجرای مفاد ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور، ضرری متحمل شده‌اند و یا مدعی حقی هستند، تشکیل شده است. در واقع، عملکرد این کمیسیون به گونه‌ای است که افراد خاصی می‌توانند طرح شکایت و اعتراض خود را در آن مطرح نمایند که در ذیل بدانها پرداخته می‌شود.

این افراد در وهله اول شامل افراد حقیقی و مشتمل بر زارعین صاحب اراضی نسقی و مالکین و صاحبان باغات و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی شهرها و حریم روستاها، و همچنین افراد حقوقی شامل سازمانها و موسسات دولتی خواهند بود که به اجرای تصمیم صادره از سوی کمیسیون ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری جنگل‌ها و مراتع کشور، مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن، اعتراض داشته باشند، تعلق دارد. چنین افرادی حق اعتراض نسبت به آرای صادره از سوی کمیسیون ماده ۵۶ را خواهند داشت.

دسته دوم کسانی‌اند که اراضی و املاک آنها بر اساس آرای که از سوی کمیسیون ماده ۵۶ صادر شده، در زمره اراضی ملی و منابع طبیعی قرار گرفته و اعتراض بدوی آنها نسبت به تصمیم وزارت منابع طبیعی که در کمیسیون ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور به عمل آمده، مثمرتر نبوده است. فلذا، فرد معترض اعتراضی دیگر نسبت بدان به عمل می‌آورد.

علاوه بر این، چنانچه سازمانها و موسسات دولتی به اجرای ماده ۵۶ معترض بوده و این اعتراض از سوی هیات مذکور، در قانون ماده واحده تعیین تکلیف اراضی اختلافی ملی بجا تشخیص داده شود، با توجه به موقعیت و شرایط زمین نسبت به خلع ید از متصرفین اقدام به عمل می‌آید. بر اساس تبصره ۵ ماده واحده، مقررات مغایر با این قانون لغو گردیده است و این تبصره بیان می‌دارد:

«از تاریخ تصویب این ماده واحده، کلیه قوانین و مقررات و آئین‌نامه‌های مغایر با این قانون لغو

و...»

ثانیاً- در ادامه همین تبصره ذکر می‌شود که: «..... تنها مرجع رسیدگی به شکایات مربوط به اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع و اصلاحیه‌های آن، هیات موضوع این قانون خواهد بود». بر همین اساس و بنا به آنچه به صراحت در تبصره ۵ ماده فوق‌الذکر سخن به میان آمده، صلاحیت هیات و یا کمیسیون ماده واحده صلاحیت انحصاری بوده و در راستای پیش‌بینی بعمل آمده از سوی قانونگذار، اقدام به رسیدگی می‌نماید.

اگر کمیسیون مرجع اداری باشد، شکایات صورت‌گرفته از آرای آن باید در دیوان عدالت اداری بررسی شود. حال آن که با اصلاح قانون مذکور در سال ۱۳۶۷ و مطابق تبصره ۲ آن، صلاحیت رسیدگی به تمامی اعتراض‌ها حتی اعتراض‌هایی که مطرح، اما مختومه نشده‌اند، از دیوان عدالت اداری سلب و دستور ارجاع آنها به هیئت ماده واحده اخیرالتصویب صادر شد. اما اگر کمیسیون را مرجعی قضایی فرض کنیم، آرای اصدار یافته از سوی آن را باید آرای قضایی دانسته و در حکم رأی بدوی به حساب آوریم. حال آن که کمیسیون ماده واحده یا همان هیئت ماده واحده مطابق قوانین مرتبط و آرای دیوان عالی کشور مرجعی «شبه قضایی» است.

بنابراین، با توجه به آرای دیوان عالی، از آنجا که رسیدگی قضایی و صدور حکم قضایی تنها در صلاحیت قوه قضاییه است، نه مراجع مشابه یا اداری، مطابق آرای صادر شده از دیوان عالی کشور قابل اعتراض و تجدید نظر خواهد بود؛ همچنان که پس از سال‌ها بالأخره در سال ۱۳۸۷ در اصلاحیه‌ای، قانون‌گذار آرای هیئت را به صراحت قابل اعتراض و تجدیدنظر در محاکم دانست. البته، دولت در لایحه جدیدی که تیر ماه ۱۳۸۸ به تصویب رساند و آن را با عنوان «لایحه جامع منابع طبیعی و آبخیزداری کشور» به مجلس تقدیم کرد، در قسمت اول تبصره ۱ ماده ۴، هیئت را مستقر در اداره منابع طبیعی شهرستان دانسته؛ اما در پیشنهادی عجیب در قسمت دوم همین تبصره، آرای صادر شده از کمیسیون را در حکم رأی بدوی اعلام کرده و آنها را تنها قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر استان دانسته که به لحاظ نظرات صادر شده دیوان تاکنون، غیر منطقی و غیر قانونی به نظر می‌رسد.

به علاوه آن که دادن صلاحیت قضایی به مرجعی که تحت نظارت دولت و وابسته به آن است و از استقلال برخوردار نبوده و تحت نظارت مستقل قوه قضاییه نیست، با وجود آن که در اصل ۱۵۶ قانون اساسی، استقلال قوه قضاییه و مقام قضا کاملاً مورد تأکید قرار گرفته است، می‌تواند محل ایراد قانون‌گذار و شورای نگهبان باشد. با این توصیف، امید است با اصلاح قوانین و تصویب مقرراتی با دقت و صراحت بیشتر در چنین مواردی، راه برای رسیدگی و شدت عمل در برخورد با متجاوزان به اموال عمومی هموار و محل پیشگیری از آن گردد.

۲. نحوه رسیدگی کمیسیون موضوع ماده ۵۶ و ارزیابی آن

در این مبحث، ابتدا نحوه رسیدگی و صدور رای کمیسیون موضوع ماده ۶۵ قانون جنگل‌ها و مراتع و در ادامه، ارزیابی از آیین دادرسی این کمیسیون بررسی می‌شود.

۲-۱. نحوه رسیدگی کمیسیون موضوع ماده ۵۶

افرادی که پیش از این در قسمت صلاحیت کمیسیون بدانها اشاره شد، اعم از حقیقی و یا حقوقی، می‌توانند به هیات ماده یک یا همان کمیسیون ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی مراجعه نمایند و اعتراض خود را مبنی بر عدم رعایت حقوق و بر اساس آنچه مورد اعتراض آنهاست، رسیدگی نموده و ادعای خویش را به آن هیات تقدیم نمایند.

همچنین باید گفت بر اساس آنچه در قانون مذکور مورد پیش‌بینی قرار گرفته است، میزان خاصی برای به رسمیت شناخته شدن تشکیل این هیات ماده واحده مد نظر قانون‌گذار بوده؛ بدین بیان که (۱) این هیات در هر شهرستان زیر نظر وزارت کشاورزی می‌باشد و (۲) با حضور حداقل ۵ نفر از ۷ نفر رسمیت خواهد یافت و (۳) پس از انجام مقدمات لازم در زمینه اعتراض به عمل آمده

و پس از اعلام نظر کارشناسی خبره در زمینه آنچه مورد رسیدگی در کمیسیون ماده واحده است، رای قاضی هیات، قابل اعتراض در شعب دادگاه بدوی و تجدیدنظر دادگاه می‌باشد. مورد دیگری که ناشی از نوع عملکرد این هیات می‌توان در اینجا ذکر نمود، این است که هیات می‌تواند از آنجایی که رسیدگی به امور مطروحه در آن کاملاً تخصصی و فنی است، از خبرگان محلی و غیررسمی به عنوان کارشناس استفاده نماید. چنین امری در ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی هم مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.

نحوه عمل بدینگونه می‌باشد که: ظرف یک ماه پس از اخطار کتبی یا آگهی وزارت منابع طبیعی بوسیله یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و یکی از روزنامه‌های محلی و سایر وسایل معمول و مناسب محل، اشخاص دینفع می‌توانند به نظر وزارت مزبور اعتراض کرده و اعتراضات خود را با ذکر دلیل و مستندات به مرجع صادرکننده آگهی یا محل صدور اخطار تسلیم دارند. برای رسیدگی به اعتراضات وارده، کمیسویی مرکب از فرماندار و رئیس دادگاه شهرستان و سرپرست منابع طبیعی محل یا نمایندگان آنها تشکیل می‌شود (حاجیان، ۱۳۸۴: ۵۵). کمیسیون مکلف است حداکثر ظرف سه ماه به اعتراضات واصله رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند.

تصمیم اکثریت اعضای کمیسیون قطعی بوده و چنانچه تصمیم کمیسیون مبنی بر محلی قلمداد کردن محل بوده و محل در تصرف غیر باشد، کمیسیون مکلف است به درخواست وزارت منابع طبیعی، دستور رفع تصرف صادر کند، بنحوی که منبع مذکور از هر جهت در اختیار وزارت منابع طبیعی قرار گیرد. ماموران انتظامی نیز مکلف به اجرای دستور کمیسیون مذکور هستند. طبق تبصره یک این ماده، در هر مورد که براساس مقررات مربوطه به قانون ملی شدن جنگلهای کشور، جنگلدار در مقام تشخیص منابع ملی اظهارنظر کرده باشد، به طریق زیر عمل می‌شود:

الف- در صورتی که به نظر جنگلدار اعتراض نشده باشد، نظر جنگلدار قطعی است. ب- در صورتی که در مهلت مقرر به نظر جنگلدار اعتراض شده باشد، طبق مقررات مربوطه به ماده ۱۲ قانون ملی شدن جنگلهای کشور، مورد رسیدگی و اتخاذ تصمیم واقع شده باشد، اعتراض برای رسیدگی به کمیسیون مقرر در این ماده ارجاع می‌شود و در این راستا نیز به موجب تبصره ۳ ماده ۵۶، نظر وزارت منابع طبیعی در تشخیص منابع ملی تا اتخاذ تصمیم نهایی کمیسیون مقرر در این ماده معتبر و لازم‌الرعایه خواهد بود. به هر ترتیب، آئین‌نامه اجرایی ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع به نحو دقیقتری جزئیات تشخیص منابع ملی را تشریح نموده است. به موجب این آئین‌نامه، تشخیص باید بر اساس تعاریف قانونی مصرح به عمل آید و خصوصیات منابع طبیعی از حیث وضع طبیعی و تعریف قانونی دقیقاً در برگ تشخیص نوشته شود. به عبارت دیگر، در برگ تشخیص باید مشخصات ثبتی و محل وقوع و حدود و مساحت منطقه مورد بازدید ذکر و مستثنیات تعیین شود.

به علاوه، مامور بازدیدکننده باید از منطقه موردنظر، بازدید نموده و پس از آن، اقدام به تهیه نقشه و در صورت عدم امکان، اقدام به ترسیم کروکی نموده و تحقیقات لازم را با وسایل مقتضی نسبت به وضعیت منطقه مورد بازدید و مستثنیات قانونی آن بنماید و اگر احراز کند که مستحدمات بعد از تصویب قانون ملی شدن، احداث گردیده، تاریخ احداث و دلایل آن را در برگ تشخیص (بازدید) بنویسد و با اظهارنظر خود، آن را به واحدی که او را مامور رسیدگی نموده، تسلیم نماید. واحد مربوطه موظف است پس از وصول برگ بازدید گزارش و همچنین، با حصول اطمینان از صحت مندرجات آن طبق مقررات قسمت اول ماده ۵۶، اقدام نماید.

مطابق با ماده ۱۳ آئین‌نامه ماده ۵۶، جلسه کمیسیون این ماده با حضور کلیه اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیم کمیسیون باید در جلسه رسمی اتخاذ و در همان جلسه به امضای کلیه اعضاء کمیسیون برسد.

تصمیمات اکثریت اعضاء کمیسیون قطعی بوده و با رعایت ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرایی قانون ملی شدن جنگل‌ها، به موقع اجراء گذارده می‌شود. در صورتی که رای کمیسیون به اتفاق آرای اتخاذ نشده باشد، نظر اقلیت باید با ذکر دلیل، ذیل صورت مجلس قید گردد (عراقی، ۱۳۸۶: ۳۲).

لازم به ذکر است، آگهی موضوع ماده ۵۶ قانون علاوه بر روزنامه کثیرالانتشار و روزنامه محلی به طور جداگانه تکثیر و به وسیله مامورین انتظامی برای اطلاع عموم و اهالی در معابر و اماکن عمومی محل الصاق می‌شود. اگر ظرف مدت یک ماه از تاریخ اخطار یا انتشار آگهی یا الصاق آن اعتراضی نرسیده باشد، واحد صادرکننده اخطار یا آگهی، مراتب را به ثبت محل اعلام می‌نماید تا با رعایت مقررات، نسبت به مورد تشخیص، سند مالکیت تحت عنوان منابع ملی و به نام منابع طبیعی به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی صادر گردد.

در رابطه با قابل اعتراض بودن اراضی ملی نیز باید گفت که طبق ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری، رأی کمیسیون قطعی و لازم‌الاجرا بود، ولی آراء صادره توسط کمیسیون ماده‌واحد حذاقل تا تاریخ اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (۸۱/۷/۲۸) و نسخ ماده ۳۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی در چارچوب آن مواد قانونی بدون تردید قابل اعتراض بوده، ولی با اصلاحات قانونی مذکور، پس از اختلاف نظر پیرامون قابل اعتراض بودن یا نبودن این آراء، قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری مصوب ۸۷/۳/۵ مجلس شورای اسلامی ایران به این اختلاف نظرها پایان داد. به موجب این اصلاحیه (عبارت لازم‌الاجرا خواهد بود مگر در موارد سه‌گانه شرعی مذکور در مواد ۲۸۴ و ۲۸۴ مکرر آیین‌نامه دادرسی کیفری) از متن قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع مصوب ۶۷/۶/۲۲ حذف و عبارت (رأی قاضی هیأت قابل اعتراض در شعب

دادگاه بدوی و تجدیدنظر هست، هیئت می تواند از خبرگان محلی و غیررسمی به عنوان کارشناس استفاده نماید)، جایگزین آن می گردد.

مطابق قانون ماده واحده تعیین تکلیف اراضی اختلافی ملی، زارعین صاحب اراضی نسقی، مالکین، صاحبان باغات و تأسیسات و سازمان ها و مؤسسات می توانند به تشخیص اراضی به عنوان منابع ملی اعتراض نمایند. آیین نامه های متعددی در اجرای این قانون تاکنون به اجرا گذاشته شده که از جمله اصلاحات انجام شده در این آیین نامه، حذف مهلت اعتراض به تشخیص منابع ملی از تاریخ آگهی بوده، همچنین به موجب تبصره یک ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری مصوب ۱۳۸۹، آخرین مهلت ثبت اعتراض در کمیسیون ماده واحده تا ۹۰/۶/۱۱ تعیین شده و اعتراضات اشخاص بعد از این تاریخ در دادگاه ویژه ای که به موجب قانون مذکور دایر می گردد، قابل رسیدگی است.

تبصره ۴ قانون ماده واحده تعیین تکلیف اراضی اختلافی ملی نیز بیان می دارد: «دولت موظف است توسط دستگاههای ذیربط نسبت به خلع ید از اراضی متصرفی بعد از اعلام مورخه ۱۳۶۵/۱۲/۱۶ دولت جمهوری اسلامی اقدام لازم به عمل آورد». چنانچه مالک ظرف یک ماه از تاریخ اعلام «دستگاه اجرایی» به یکی از انحاء مقرر در تبصره (۲) ماده (۴) برای انجام معامله مراجعه نکند، مراتب برای بار دوم اعلام و پس از انقضای ۱۵ روز مهلت مجدد، ارزش تقویمی ملک که طبق نظر هیئت کارشناسی مندرج در ماده (۴) یا تبصره (۲) آن تعیین شده است، به میزان و مساحت مورد تملک به صندوق ثبت محل تودیع و دادستان محل یا نماینده وی سند انتقال را امضاء و ظرف یک ماه به تخلیه و خلع ید اقدام خواهد نمود و بهای ملک یا حقوق یا خسارات به میزان مالکیتی که در مراجع ذیربط احراز می گردد، از سوی اداره ثبت به ذیحق پرداخت و اسناد قبلی مالک حسب مورد اصلاح یا ابطال و مازاد سپرده طبق مقررات مربوط به صندوق دولت مسترد می شود.

صدور سند مالکیت از یک طرف مستلزم رعایت تشریفات دقیق قانونی ملی شدن می باشد و ادارات ثبت مکلف اند مدارک و مستندات مربوط را از ادارات منابع طبیعی خواسته و در پرونده منعکس نمایند. این مدارک شامل: برگ تشخیص منابع ملی که مفاد آن دقیقاً مطابق آیین نامه و مقررات مرتبط تکمیل شده باشد، نقشه پلاک که در آن محل و مساحت منابع ملی و مستثنیات به صورت دقیق درج و با رعایت نکات فنی ترسیم شده باشد (اعداد و ارقام و مساحت های مندرج در برگ تشخیص و نقشه تهیه شده باید دقیقاً با یکدیگر منطبق باشد)، نسخه ای از آگهی مندرج در روزنامه کثیرالانتشار و آگهی مندرج در روزنامه محلی و یا در صورتی که مالک پلاک بر طبق سوابق ثبتی مشخص بوده باشد، تصویر اخطار کتبی و رسید پستی آن و نیز گواهی عدم وجود اعتراض در مرجع رسیدگی به اعتراض (صالحی، ۱۳۸۳). اداره ثبت محل موظف است براساس سند انتقال امضاء شده به وسیله دادستان یا نماینده وی، سند مالکیت جدیدی به میزان و مساحت

اراضی، ابنیه و تأسیسات مورد تملک به نام «دستگاه اجرایی» صادر و تسلیم نماید.

۲-۲. ارزیابی منصفانه بودن دادرسی در کمیسیون موضوع ماده ۵۶

منصفانه بودن دادرسی دارای اصول متعددی است. یکی از مهمترین اصول دادرسی منصفانه علنی بودن رسیدگی است که در قانون اساسی تاکید شده است. بنا بر اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، محاکمه‌ها باید علنی برگزار شود. اغلب کشورها حق محاکمه علنی را در قوانین اساسی خود و بیشتر نیز در بخش مقررات مربوط به قوه قضائیه، و نه در مواد مربوط به حقوق بشر، آورده‌اند^۱ (هاشمی، ۱۳۸۷، ج ۲). این موید آن معنی است که اصل علنی بودن برگزار کردن محاکمه پیش از آنکه حق اصحاب دعوا باشد، تکلیف دادگاه است و متوقف بر درخواستی از سوی اشخاص نیست.

عدول از اصل علنی بودن دادرسی، جز در موارد مطرح در قانون که تنها در شرایط دموکراتیک و در نتیجه موازنه منافع و ارزشهای متعارض تجویز می‌شود، نقض اصول دادرسی منصفانه و نادیده گرفتن حقوق اسلامی افراد تلقی می‌شود (مرادی، ۱۳۷۹: ۳۹). اما در خصوص کمیسیون ماده واحده با توجه به ماده ۶ و ۷، آیین‌نامه اصلاحی آیین‌نامه اجرای قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی مصوب ۱۳۷۳، تمامی مراحل رسیدگی به صورت غیرحضوری و غیرعلنی و با توجه به اعتراضیه کتبی معترض و بررسی مدارک، مستندات و سوابق و عنداللزوم تحقیق از مطلعان محلی و ملاحظه نقشه‌های هوایی و زمینی انجام می‌پذیرد.

اما در خصوص پراکندگی مناسب و در دسترس بودن مرجع اداری ماده ۲ قانون فوق‌الذکر، محمل قانونی تشکیل آن را در اداره منابع طبیعی یا واحد جایگزین در هر شهرستان تأمین گردیده است (طجرلو؛ تقوی؛ پشتدار، ۱۳۹۴: ۱۷۰). در دسترس بودن و پراکنش مناسب کمیسیون ماده واحده با توجه به ماده ۲ آیین‌نامه مذکور تأمین و تضمین شده است، به گونه‌ای که هیئت مذکور به جهت رسیدگی به اعتراضات اشخاص ذینفع در اداره منابع طبیعی و یا واحد جایگزین در هر شهرستان تشکیل می‌گردد و اصولاً با توجه به اینکه ماده مذکور محل تشکیل این هیئت را اداره منابع طبیعی قرار داده است، شرط تناسب وجود امکانات، و دائمی بودن نیز به لحاظ قانونی و به طور ضمنی تأمین شده است.

اصل مستدل و مستند بودن آرای قضایی یکی از پذیرفته‌شده‌ترین اصول حقوقی حاکم بر هر

۱. برای نمونه می‌توان اشاره کرد به بند ۲ ماده ۱۴۶ قانون اساسی آلبانی، ماده ۹۰ قانون اساسی اتریش، ماده ۴۸ قانون اساسی کومور، ماده ۱۹۹ قانون اساسی اکوادور، اصلاحیه ششم قانون اساسی ایالات متحده و اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

مرجع قضایی و شبه قضایی است. مستدل بودن حکم، به معنی متکی بودن آن به دلیل است. همچنین، روند انطباق اقدامات صورت گرفته با قوانین و مقررات استدلال و یافتن مبانی قانونی حکم، استناد محسوب می شود. مستند بودن حکم بدین مفهوم است که دادرس باید مواد قانونی و اصولی که وی را مجاز به اخذ چنین تصمیمی نموده، ذکر نماید (سودمندی، ۱۳۹۷: ۲۶۱). باید گفت که این امر مطابق مواد ۵ و ۶ آیین نامه اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی مصوب ۱۳۷۳ در کمیسیون ماده واحده حمایت شده است.

همچنانکه رسیدگی به اعتراضات واصله مطابق ضوابط و مقررات مرتبط با موضوع انجام می گیرد و از سوی دیگر، نهاد مذکور بدو جهت رسیدگی به موضوع و ارائه نظر کارشناسی ضمن بررسی همه اسناد و مدارک ارائه شده از سوی معترض، اقدام به اخذ سوابق موضوع از مراجع ذی ربط، معاینه محل، ملاحظه نقشه های هوایی، تحقیق از مطلعان و... می نماید، تا تصمیمات اتخاذ شده هم مستند به قوانین و مقررات و هم بر مبنای واقعیت امر بیانگر علت اعمال حکم قانون بر موضوع متنازع فیه باشد (طجرلو؛ تقوی؛ پشتدار، پیشین: ۱۷۱).

از دیگر اصول دادرسی عادلانه استقلال مرجع رسیدگی کننده است. عملکرد دستگاه قضایی و به طور خاص، سیستم عدالت قضایی باید از نظر افکار عمومی قابل دفاع باشد. افکار عمومی صرفاً در صورتی به عملکرد دستگاه قضایی اعتماد می کند که شیوه رسیدگی آن منصفانه باشد. دادرسی منصفانه از نظر قلمرو زمانی شامل کلیه مراحل دادرسی تا اجرای احکام است. هدف از این دو اصل، جلب اعتماد افکار عمومی مردم نسبت به دستگاه عدالت بوده و استقلال به خودی خود وسیله ای برای حفظ بی طرفی است (قاسمی، ۱۳۸۶).

ماده ۷ آیین نامه اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی مصوب ۱۳۷۳ تصمیم مقام قضایی عضو هیئت ماده واحده را از ارکان مهم فرآیند دادرسی قلمداد نموده است. به گونه ای که اولاً، تصمیم نهایی و تمام کننده در خصوص موضوع در اختیار مقام قضایی است، ثانیاً، تصمیم مقام قضایی مطابق نص ماده مذکور لازم الاجراست. همچنانکه مطابق رأی شماره ۵/۷۸/۱۰۹ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیز ضمن تأکید بر استقلال مقام قضایی در رسیدگی به موضوع، تقیید و محدودیت در قلمرو وظایف و اختیارات قاضی عضو هیئت را مغایر قانون تشخیص داده است.^۲

۱. ماده ۷- قاضی عضو هیئت منحصراً باملاحظه نظر کارشناسی هیئت رأی نهایی خود را صادر می نماید. رأی قاضی لازم الاجراست و از طریق دبیرخانه هیئت برای اجرا به مراجع ذیربط ارسال می گردد.

۲. رأی شماره ۵/۷۸/۱۰۹ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲ (ب) نظر به اینکه بررسی دلایل و مدارک مربوط و تعیین ارزش و اعتبار هر یک از آنها در کشف حقیقت و صدور رأی علی الاصول و به حکم قانون به تشخیص قاضی راجع است و ایجاد تضییق و محدودیت در قلمرو وظایف و اختیارات قاضی مندرج در متن ماده ۷ آیین نامه فوق الذکر که مفهوم تحدید «منحصراً» از طرف قوه مجریه

یکی دیگر از اصول دادرسی منصفانه، بی‌طرفی است. منظور از بی‌طرفی، عدم انجام اعمال و اقداماتی است که در اثر آن، احتمال پیروزی یکی از طرفین دعوا بیش از طرف دیگر گردد. طبق این اصل، مقام قضایی تصمیمات خود را باید براساس شواهد عینی، دلایل و وقایع ارائه شده از سوی طرفین اختلاف یا دعوا اتخاذ کند. در نوشته‌های حقوقی اصل بی‌طرفی مراجع، در دو بُعد شخصی و عینی مطرح می‌گردد (یاوری، ۱۳۸۳: ۲۸۷). این اصل در بُعد شخصی، از لوازم اجتناب‌ناپذیر امر قضا به شمار می‌رود و مستلزم این است که اشخاص رسیدگی‌کننده، شخصاً هیچ اشتراکی در منافع یکی از طرفین دعوا نداشته و یا به لحاظ داشتن نسبتی یا اختلافی با یکی از آن‌ها، اصل برابری آنان را در مقابل قانون و مرجع رسیدگی نادیده گرفته نشده و همچنین، تضمین اصل بی‌طرفی در بُعد عینی ایجاب می‌نماید که ساختار مرجع رسیدگی به نحوی سازمان یابد که منجر به خروج آن از بی‌طرفی و توجه به منافع یکی از طرفین و نادیده گرفتن حقوق طرف دیگر و حق برابر آنان نگردد.

عدم وابستگی سازمانی و مالی مرجع رسیدگی به یکی از طرفین دعوا و استقلال آنان از جهات مذکور همچنین عزل و نصب اعضای مراجع توسط مرجعی مستقل از طرفین دعوا، براساس تخصص و شایستگی آنها، می‌تواند بی‌طرفی عینی مراجع را تضمین نماید (هاشمی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۷۱). در مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط به کمیسیون ماده‌واحد مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است و بر این مبنا نیز سازمان کمیسیون ماده واحد از جمله دبیرخانه آن اصولاً هیچ سازوکاری را جهت دسترسی آزاد و آسان به آرا این کمیسیون پیش‌بینی نکرده است.

از سوی دیگر، به صراحت ماده ۶ آیین‌نامه‌ی اصلاحی آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی مصوب ۱۳۷۳ رسیدگی به اختلافات در این کمیسیون غیرعلنی و بدون حضور طرفین و بر مبنای اعتراض کتبی معترض و اسناد و مدارک ارائه شده صورت می‌پذیرد. در خصوص جرح قاضی نیز با وجود عدم اشاره به موضوع در مقررات خاص کمیسیون ماده‌واحد، به نظر می‌رسد راه برای رجوع به مقررات عام آیین دادرسی در این زمینه باز است.

از دیگر اصول مهم دادرسی تساوی طرفین است. در حقوق دادرسی رعایت اصول مساوات در رفتار با طرفین از ارکان تحقق رسیدگی منصفانه به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر می‌باشد. در حقوق دادرسی منظور از مساوات، رفتار یکسان و برابر مقام رسیدگی‌کننده با طرفین دعوا و منع هر گونه تبعیض ناروا نسبت به آنهاست. بنابراین، در رسیدگی، قاضی به عنوان مقام رسیدگی‌کننده باید نسبت به طرفین رفتار یکسان و برابر داشته، از هر گونه تبعیض ناروا نسبت به یکی از آنها

ملاک موجهی ندارد. بنابراین، کلمه اختیارات قاضی هیأت هفت‌نفره آن قانون در رسیدگی به مطلق دلایل و مدارک معتبر و مؤثر در قضیه است، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه می‌باشد.

خودداری نماید (خدری، ۱۳۹۴: ۵۳۷).

در خصوص برخورداری از مهلت کافی جهت تدارک و آماده‌سازی پرونده می‌توان به تبصره ۴ و ۵ آ.ا.ق.ت.ا اشاره کرد، به گونه‌ای که پس از آن که معترض اعتراض‌نامه تنظیمی را به مسئول دبیرخانه هیئت ارائه کرد، اعتراض‌نامه حداکثر ظرف ده روز بررسی می‌گردد و چنانچه مدارک ارائه‌شده دارای نواقصی باشد، با صدور اخطار رفع نقص مهلتی بین ۵ تا ۱۰ روز جهت رفع نقص به معترض داده می‌شود. به نظر می‌رسد مهلت مذکور به‌خصوص به لحاظ حداقلی کوتاه است و بهتر بود با توجه به اینکه برخی از اسناد و مدارک مثبت ادعای معترضان باید از مراجع و سازمان‌های دولتی اخذ و استعلام شوند، مهلت مناسب‌تری توسط مقنن منظور می‌گردید.

اطلاع‌رسانی ادله و استدلال‌ات طرف مقابل با توجه به موقعیت و جایگاه قانونی کمیسیون ماده‌واحد که صلاحیت رسیدگی به اختلافات ناشی از اراضی ملی را دارد، اول ناظر است به مبانی استنادی و دلایل کمیسیون. با توجه به ماده ۵ آ.ا.ق.ت.ا، کمیسیون بر اساس ضوابط و مقررات مرتبط با موضوع از جمله قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور و قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع ماده‌واحد و آیین‌نامه‌های آن، به موضوع رسیدگی می‌نماید (طجرلو؛ تقوی؛ پشتدار، پیشین: ۱۷۳).

قوانین مذکور و آیین‌نامه‌ی مورداشاره که وصف قانون را دارند، برای معترضان قابل دسترسی اند؛ هرچند لازم است این موضوع از جمله تکالیف رو به تزايد دولت و مقامات عمومی تلقی گردد، به گونه‌ای که کمیسیون در مقام دادگاه اداری اختصاصی صرفاً به انتشار قوانین مذکور به‌طور عام اکتفا ننماید و به‌عنوان مقام صلاحیت‌دار رسیدگی‌کننده، به‌طور خاص نسبت به انتشار این قوانین و آیین‌نامه‌ها از طریق مجموعه‌های قوانین کاربردی، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای و... نیز اقدام نماید. به‌غیراز تعیین مهلت مذکور جهت رفع نواقص اعتراض، مقررات دیگری در جهت رعایت اصل تساوی سلاح‌ها در فرآیند رسیدگی هیئت ماده‌واحد موجود نیست، به‌جز ماده ۹ آ.ا.ق.ت.ا. که حق تجدیدنظرخواهی و اعتراض نسبت به رأی هیئت ماده‌واحد را تضمین نموده است.

نتیجه‌گیری

نتایج مقاله نشان داد کمیسیون ماده ۵۶ یا همان هیئت ماده‌واحد تعیین تکلیف اراضی اختلافی ملی طی تغییراتی در دوره‌های مختلف و از جمله در سال ۱۳۸۷ نیز دچار تغییرات جزئی شد. در خصوص صلاحیت کمیسیون، نتایج تحقیق بیانگر این امر است که قانون‌گذار در ماده ۲ قانون ملی‌شدن جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۱ وظیفه ملی‌کردن جنگل‌ها را بر عهده سازمان جنگل‌بانی گذاشته و در تبصره‌های الحاقی، آن مواردی از اراضی مورد اشاره را دارای مالکیت خصوصی اعلام کرده است که تشخیص این اراضی و رسیدگی به آن از وظایف کمیسیون ماده

۵۶ است. بنابراین، اساس کار این کمیسیون رسیدگی در مقام تعیین تکلیف اراضی می‌باشد که مالکان آنها مطابق ماده ۵۶ قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع، به این موضوع اعتراض دارند. محدوده صلاحیت چنان که از قانون مورد وصف پیداست، صلاحیت کمیسیون رسیدگی به اراضی را شامل می‌شود که خارج از محدوده شهر قرار دارند و در حیطه صلاحیت کمیسیون ماده ۱۲ زمین شهری نیستند.

در خصوص آیین رسیدگی در کمیسیون ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع، نتایج مقاله بر این امر دلالت دارد که معیار مستند و مستدل بودن آرای صادره در کمیسیون ماده واحده به صراحت مورد توجه قرار گرفته است. استقلال مقام رسیدگی کننده نیز از جمله مواردی است که در فرآیند رسیدگی کمیسیون ماده واحده بدان توجه شده است، ولی علنی بودن رسیدگی در مرجع مذکور مورد غفلت قرار گرفته است. از جمله دیگر معیارهایی که از نظر مقنن در تدوین آیین رسیدگی کمیسیون ماده مغفول مانده، لزوم تضمین بی‌طرفی مقام رسیدگی کننده است.

همچنین، دسترسی آسان و آزادانه به آرای محاکم، قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی و سوابق و رویه‌های قضایی گروه ماده واحده در مقررات پیش‌بینی نشده است، چشم‌اندازهای نظام حقوقی کشور نیست. از این رو، کمیسیون ماده واحده در مقام یک نهاد اداری اختصاصی که در سالیان دور تأسیس و تشکیل گردیده است و فرآیند و آیین رسیدگی آن امروزه پاسخگوی اهمیت موضوعات مطرح در آن نیست، لازم است نسبت به اصلاح و بازنگری در قوانین و مقررات خود با توجه به اصول دادرسی منصفانه و در جهت ایجاد عدالت اداری و تضمین حقوق شهروندان در مقابل دستگاه عمومی اقدام نماید تا از این رهگذر حقوق و دارائی‌های عمومی جامعه نیز به‌عنوان یک ثروت ملی حفظ گردد.

باید گفت که سطح رعایت اصول دادرسی منصفانه در کمیسیون چندلنم مطابق دادرسی منصفانه نیست. این کمیسیون در مقام یک نهاد اداری اختصاصی که در سالیان دور تأسیس و تشکیل گردیده است و فرآیند و آیین رسیدگی آن امروزه پاسخگوی اهمیت موضوعات مطرح در آن نیست، لازم است نسبت به اصلاح و بازنگری در قوانین و مقررات خود با توجه به اصول دادرسی منصفانه و در جهت ایجاد عدالت اداری و تضمین حقوق شهروندان در مقابل دستگاه عمومی اقدام نماید تا از این رهگذر حقوق و دارائی‌های عمومی جامعه نیز به‌عنوان یک ثروت ملی حفظ گردد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- جعفری، امیرحسین (۱۳۹۵). **حدود صلاحیت محاکم نسبت به آرای کمیسیونهای قانونی در رابطه با کاربری اراضی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قدس.
- حاجیان، علی، (۱۳۸۴). **مفاهیم و اصطلاحات جنگل و پاره‌ای از قوانین مهم جنگل**، نشریه کارشناس، (۵۱).
- خدری، صالح، (۱۳۹۴). **دادرسی منصفانه در داوری تجاری بین‌المللی**، مطالعات حقوق تطبیقی، ۶(۲): ۵۴۰-۵۱۹.
- رئیسی، فاطمه؛ شهریاری، عبدالنعم (۱۳۹۷). **تعییم مالکیت خصوصی اشخاص در ماده ۶۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها**، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ایران.
- سودمندی، عبدالمجید (۱۳۹۷). **مستدل و مستند بودن آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری؛ ایراد در استناد به قانون اساسی**، فصلنامه حقوق عمومی، ۲۰(۶۱): ۲۸۹-۲۶۱.
- صالحی، حسین (۱۳۸۳). **الزامات قانونی دولت و شهرداری در تملک اراضی و امالک**، ماهنامه‌ی شهرداریها، (۶۴).
- طجرلو، رضا؛ تقوی زین العابدین و پشتدار، حسین (۱۳۹۴). **نقش و کارکرد کمیسیون رسیدگی به اختلافات ناشی از اراضی ملی از منظر اصول دادرسی منصفانه**، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۷(۴۹): ۱۷۷-۱۵۵.
- قاسمی، احمد (۱۳۸۸). **استقلال و بی‌طرفی مقام قضایی با تکیه بر آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره)**، فصلنامه علمی پژوهشی متین، ۱۱(۴۴): ۹۸-۷۶.
- عراقی، عزت‌الله، غمامی، مجید (۱۳۸۶). **حقوق منابع طبیعی**، اصل حفاظت از منابع طبیعی، نشریه جنگل و مراتع، (۲۹).
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). **اموال و مالکیت**، چاپ ششم، تهران: نشر میزان.
- مرادی، قاسم (۱۳۷۹). **اصول حاکم بر روند دادرسی عادلانه**، فصلنامه جستارهای حقوق عمومی، (۲)۴.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۷). **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، جلد دوم، نشر دادگستر.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۲). **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران** (اصول و مبانی کلی نظام)، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.
- یآوری، اسدالله (۱۳۸۳). **حق برخورداری از یک دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین**، نشریه حقوق اساسی، (۲).